

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و سوم درس خارج فقه استاد مختاری (طهارت)

[فصل فی المَطَهَّرَات]

[و هی أُمُور]

(أحدها: الماء): «و هو عمدتها؛ لأنَّ سائر المَطَهَّرَات مخصوصة بأشياء خاصَّة بخلافه، فإنَّه مَطَهَّر لكلِّ مَتَنَجِّس حتَّى الماء المضاف بالاستهلاك بل يَطَهَّر بعض الأعيان النجسة كميت الإنسان، فإنَّه يَطهر بتمام غسله. و يشترط في التطهير به أمور: بعضها شرط في كلِّ من القليل و الكثير، و بعضها مختصَّ بالتطهير بالقليل».

سه فرع در این مسئله است:

فرع اول: آب مُطَهَّر است برای کل متنجس، آب به جمیع اقسامش طاهر است فی نفسه و مَطهر است برای غیر خودش از حدث و خبث.

دلیل این مطلب کتاب و سنت است و بحثی در اصل مَطَهْرِيَّتِ آبِ فی الجمله بین فقهاء نیست، اما در اطلاق و عموم آن بین فقهاء بحث است، یعنی آیا مَطَهْرِيَّتِ ماء برای کل نجس است بدون استثناء یا اینگونه نیست و استثناء دارد؟ آیا مَطَهْرِيَّتِ ماء عمومیت دارد و مطلق است یا اینگونه نیست؟ در اینجا دو وجه است و قول حق آن قول اول است که مَطَهْرِيَّتِ آب عمومیت دارد، مگر آنهایی که غیر قابل طهارت باشند یا قابلیت طهارت در آنها مشکوک است که در جایش از آن بحث خواهیم کرد. اما غیر از این مستثنیات بطور کلی مَطَهْرِيَّتِ ماء عام است و اطلاق دارد.

دلیل این مطلب که مَطَهْرِيَّتِ آب عمومیت دارد کتاب، سنت و اجماع است.

دلیل اول کتاب: سوره مبارکه فرقان آیه ۴۸: (وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا)، طهور در اینجا به معنای ما يَتَطَهَّرُ به است، یعنی چیزی که با او طهارت حاصل می شود، یعنی مَطَهْرِيَّتِ ماء برای

غیر می باشد، این مطهریت برای غیر به این معنا است که هم خودش طاهر است و هم طاهریتش ذاتی می باشد، چون فاقد شیء معطی شیء نمی تواند باشد، پس چیزی که مطهر است اول باید طاهر باشد تا بتواند موجب طهارت غیر شود. کلمه طهور در این آیه شریفه مطلق ذکر شده و دیگر متعلق آن ذکر نشده؛ لذا از آن عمومیۀ مطهریۀ ماء استفاده می شود، چنانچه اگر گفته شود شیئی نجس است، این نجاست اطلاق و عمومیت دارد. پس مطهریت نیز همینگونه است.

دلیل دوم: روایات است.

روایت اول در وسائل الشیعه جلد ۱ کتاب الطهاره من ابواب ماء المطلق باب ۱ روایت ۶: «مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْمَاءُ يُطَهِّرُ وَلَا يُطَهَّرُ».

در این روایت متعلق کلمه يطهر ذکر نشده است لذا از آن عمومیت فهمیده می شود چنانچه وقتی گفته می شود البول ينجس این دال بر عموم است پس همانگونه که از بول این را می فهمیم از، الماء يطهر نیز همین فهمیده می شود پس عمومیت آن از این روایت شریف فهمیده می شود.

روایت دوم در وسائل الشیعه جلد ۱ کتاب الطهرا من ابواب ماء المطلق باب ۴ روایت ۱: «مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ يَجِدُ فِي إِيَّانِهِ فَارَةً وَ قَدْ تَوَضَّأَ مِنْ ذَلِكَ الْإِنَاءِ مَرَّارًا أَوْ اغْتَسَلَ مِنْهُ أَوْ غَسَلَ ثِيَابَهُ وَ قَدْ كَانَتْ الْفَارَةُ مُتَسَلِّحَةً فَقَالَ إِنْ كَانَ رَأَاهَا فِي الْإِنَاءِ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسَلَ أَوْ يَتَوَضَّأَ أَوْ يَغْسَلَ ثِيَابَهُ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا رَأَاهَا فِي الْإِنَاءِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَغْسَلَ ثِيَابَهُ وَيَغْسَلَ كُلَّ مَا أَصَابَهُ ذَلِكَ الْمَاءَ وَيُعِيدَ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ وَ إِنْ كَانَ إِيَّاهَا بَعْدَ مَا فَرَّغَ مِنْ ذَلِكَ وَ فَعَلَهُ فَلَا يَمَسُّ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ شَيْئًا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ لِأَنَّهُ لَا يَعْلَمُ مَتَى سَقَطَتْ فِيهِ ثُمَّ قَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ إِذَا سَقَطَتْ فِيهِ تِلْكَ السَّاعَةُ الَّتِي رَأَاهَا».

شخص در ظرفش موشی دیده و وضوء گرفته یا غسل کرده و بعد اجزاء آن بهم ریخته، حضرت فرمودند: اگر قبلا دیده که موش داخل آب بوده اما مستهلک شده، و لباسش را با آن آب شسته است و وضوء هم گرفته، باید لباسش و هر چیزی که این آب به آن اصابت کرده را بشوید. این

کلمه «کل» در روایت (وَيَغْسِلُ كُلَّ مَا أَصَابَهُ ذَلِكَ الْمَاءُ)، از الفاظ عموم است و قطعاً دال بر عمومیت می‌کند. ممکن است گفته شود اینجا در خصوص «فأره» است و شما می‌خواهید آن را به همه جا عمومیت دهید. باید عرض کنیم اینجا القاء خصوصیت می‌کنیم و عمومیت دارد و کلمه «کل» نشان از این دارد، پس باید عرض کنیم این «کل» نشان عمومیت است و هر آنچه این آب نجس به آن رسیده باید آب کشیده شود.

پس اگر به عرف هم رجوع کنیم عرف هم از اینکه آب مطهریت دارد عموم را می‌فهمد و می‌تواند باعث تطهیر غیر شود، البته یک استثنائاتی دارد. ولی ما با آنها کاری نداریم و برای آن دلیل جداگانه داریم.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.